

متن پرسش

با سلام: استاد عزیز شما در جواب سوال ۲۴۱۲۸ فرمودید که (صورت خارجی «مُعِد» خواهد بود تا نفس ناطقه، صورتی مطابق آن در ذهن ابداع کند و بدین لحاظ می‌توان به نحوی به آن‌چه از خارج در ذهن داریم، اعتماد کرد و این غیر از بدیهی‌یافتن ادراک خارجی است) ۱. منظور جنابعالی از بدیهی یافتن ادراک خارجی همان حضوری یافتن آن است، یعنی جنابعالی بدیهی بودن را در این موضوع به علم حضوری داشتن نسبت به ادراک خارجی می‌دانید؟ مثل ادراک حضوری مجردات در عالم غیب و شهود؟ ۲. اما در جواب سوال ۲۴۱۲۱ فرمودید: (آری! انسان به صورت بدیهی متوجه می‌شود که نفس ناطقه‌ی او به همان چیزی علم دارد که در خارج هست) این بدیهی بودن انطباق صورت ذهنی با صورت شیئی خارجی نزد نفس چه نوع بدیهی هست؟ ممنون از پاسخ‌ها

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مسلّم علم به آن‌چه در خارج یافته‌ایم به حکم آن قاعده که «هر علم حصولی، مسبوق به علم حضوری است» علم ما به خارج برای نفس، حضوری است هرچند که در نسبت به خارج حصولی باشد. ولی بحث بدیهی‌بودن اعتماد به علم‌مان به خارج، برمی‌گردد به این‌که نفس ناطقه در پیش خود و بدون هرگونه مقدمه‌ای علم خود به خارج را قابل اعتماد می‌داند. موفق باشید